بسم الله الرحمن الرحیم

درس خارج اصول 3/2/1387

نتیجه بحثهایی که تا اینجا داشتیم این شد که عمدتا آن چیزی که تعیین کننده است در تداخل و عدم تداخل قرائن خاصه ، ارتکازات ، تناسبات حکم و موضوع و اینجور چیزها هست، ما گفتیم شاید بتوانیم این قرائن را در این چارچوبهایی که ذکر میکنیم در این چارچوبها بگنجانیم، آن این است که اگر جزای ما عنوان قصدی باشد ولو احتمالا در واقع آنچیزی که در جزا ما میدانیم اخذ شده آن مقداری که مسلم هست قصد خود آن عنوان شرط هست اما اینکه آن عنوان عدم شرط دیگر هم باید قید باشد آن دیگه دلیل نداریم اذا اجنبت فاغتسل اذا مسست المیت فاغتسل این معناش این هست که شما اگر عنوان قصدی باشد اغتسال ، اذا اجنبت فاغتسل غسلا بقصد الجنابه آن یکی هم میگه که فاغتسل غسلا بقصد مس المیّت، خوب اگر ما قرینه ای از خارج نداشته باشیم میگیم یک غسل واحد به قصد هردو باید کفایت کند که در واقع تداخل در اسباب نیست ، دوتا مسبب ما داریم یکیش غسل به نیّت جنابت است یکیش به نیّـت مس میّت هست وجوب مختلفی به وسیله این دوتا سبب ایجاد میشود ولی مکلف ممکن است براش امکان دارد که هردوتای این ها را با یک عمل واحد انجام بدهد هرچند هم میتواند با دوعمل انجام بدهد ،(مراد من از احتمالا این هست که عرف متعارف این عنوان را عنوان قصدی میبیند، ولی احتمال میدهد که شارع هم آن را عنوان قصدی بداند اصل این است که همان اعتبار که عرف دارد همان احتمال شرع بشود، ) نکته دوم عناوین عبادی ، عبادی هم مثل همان قبلی هست ،مصادیق عنوان قصدی است ،ظاهر عبادیّت قصدیّت است یعنی جزء مصداقهای آنها است یک استظهاری هم میخواهیم بکنیم ، میخواهیم بگیم ظاهر عبادتها استظهار این میشود که قصدی است، لازم نیست عبادت حتما قصدی باشد ، آنچیزی که در عبادات به حکم عقل لازم است آن این است که ما حسن فعلی و فاعلی داشته باشیم ولی اینکه حتما به قصد آن امر خاص اتیان بشود آن دلیل میخواهد اثل این است که ظاهر ادله ای که یک شیئ را عبادی میکند این است که باید به قصد آن امر خاص اتیان بشود اگر میگن که اکرم الهاشمی و این عبادت هست ، ظاهر عرفیش این هست که شما اکرام هاشمی را به قصد اینکه اکرام هاشمی هست بیاورید ولی آن عمل خارجی را نمیدانید هاشمی است خیال میکنید که اصلا هاشمی نیست ، قصد عدم میکنید، اینکه بگیم این واقع میشود اکرم هاشمیّا خلاف قاعده است در توسلیّات اینجور نیست چون توسلی آن مأمورٌ به باید بیاد، خوب مأمورٌ به آمده است دیگه و هیچ مشکلی ندارد، تعبدی آن زائد بر مأمورٌ به اینجا چیزی میخواهد، خوب این در واقع استظهار میخواهد بشود که عبادیّات عنوان قصدی است پس این در .اقع یک نوع استظهاری هست از عبادیّت ، و معمولا اگر تصریح برخلاف نشده باشد، این هم دوتا نکته ، سومی در پاداش جریمه بود ، در پاداش جریمه ما میخواهیم بگیم که ظاهر عرفی این هست که اصلا میخواهد بگوید دوتا عمل خارجی مستقل هم باید بیاورید، نتنها عنوان مأمورٌ به متفاوت هست به گونه ای هم این عنوانها هست که پاداش سبب های متعدد به افعال متعدد تعلق پیدا میکند در غیر این موارد اصل تداخل هست ، تداخل در مسببات به این معنا که در واقع ما میگیم که فرض کنید که اگر گفتم من اگر تشنه شدم واجب است آب بخورم از یک طرف گفتم اگر گلوم گرفت واجب است آب بخورم این معماش این است که دوتا وجوب میاد ولی وجوبی که به طبیعت بدون قید و شرط تعلق گرفته است ، دوتا وجوب مختلف ولی به یک شیئ چون هیچگونه قیدی متعلق وجوب ما ندارد قهرا و بدون اختیار من با اولین فردی که امتثال میشود اتیان میشود هردوتکلیف ساقط است، یعنی وحدت امتثال قهری است بخلاف رخصتی ،وحدت امتثال در آنجا به دست مکلف هست ، مکلف میتواندامتثال دوتا تکلیف را با یک عمل انجام بدهد میتواند با دوعمل انجام بدهد این نه قهرا اگر یکی را امتثال کرد تکلیفش ساقط میشود، یعنی غرض به آن اولین وجود تعلق گرفته است قصد و اینچیزها هم تأثیری ندارد، چون هیچ چیزی دخالت ندارد طبیعتا اولین وجود که تحقق بخشید دومی هم ساقط میشود ، گاهی اوقات بعضی چیزها هست ممکن است امتثال تلقی نشود ، توجه بفرمایید ، در تمام تکالیف چه تعبدی باشند چه توسلی باشند چون اگر بخواهد امتثال بشود باید قصد آن عنوان بشود ، قصد قربت در آن شرط است برای تحقق امتثال، ولی آن غرض اولیه ای که شارع دارد آن حاصل میشود وامر نمیتواند بعد از او باقی باشد ، اصلا ندانم تشنم است آب بخورم آن نیازی که به آب دارم برطرف میشود ولو بخاطر این چیز آب نخورده باشم نیاز برطرف میشود دیگه وجه دیگری برای باقیماندن نیست، شما فرض کن شارع گفته بود یک لیوان آب برای من بیاور آن طرف نشنیده بود همینطوری یک لیوان آب آورده بود نه بخاطر اینکه شارع گفته است ، خوی آن نیاز برطرف شده است دیگه، آن غرض از امر آوردن مستند به او هست ولی یک غرض اولیه وجود دارد که آن غرض اولیه اوسع از غرض امر هست، در واجبات توسلی اینشکلی است ، بنابراین آن غرض اولی که حاصل شد اگر باید قهرا ساقط بشود، یعنی در واقع تمام واجبات توسلیه به یک معنا به واجبات مشروطه بر میگردند، میگه شما در صورتی که آن غرض اولیه تأمین نشده باشد این را بر من بیاور ، اگر آب برای من آورده نشده باشد آب را بیاور، حالا بحثهای تعبدی و توسلی در جای خودش.(اصل اشتغال به اینکه دوتا تکلیف داشته باشیم معلوم نیست )ما با اولین فردی را که آوردیم ممکن است امتثال صورت گرفته باشد چه بدانیم تکلیف دومی به گردن ما هست یا نیست، قید عزیمتی را نمیخواهم روش اصرار کنم، (شک از اینجا ناشی میشود که ما مأمورٌ به را نمیشناختیم، )من تصورم این است که حکم تعدد شرط با وحدت شرط در این پاداش و جریمه فرق دارد حالا این را طرح میکنم، اینها تقریباتی بود که تاحالا کردیم ، یک تقریب آخری هست از حاج شیخ من فقط اصل تقریب را عرض کنم، تقریب چهارم بر عدم تداخل هست ، تقریب اول برای شیخ و مرحوم نائینی بود ، دوم برای صاحب کفایه بود ، سوم در کلام امام آمده بود، چهارم هم تقریب حاج شیخ است، ایشان در حاشیه درر این مطلب را آورده اند در دوجای کتاب الصلوة شون هم این را آوردن، یکی در بحث خلل این را مطرح کرده اند که اصل بحثش آنجاست ص411 ،و ص 573 که اشاره به این بحث کردن، حالا من آنچه در کتاب الصلوة است را میگم بقیه اش باشد برای بعد، ایشان از اینجا شروع میکنند بحث را میگن شما ظهوری که منشأ قول به تداخل هست چیست ، ظهور جزا در اینکه متعلق ، البته ایشان تعبیر میکند متعلق امر صرف الوجود هست **و حاصل وجهه أنّ القول بکون متعلق الاوامر هو الطبیعه باعتبار صرف الوجود الذی هو مبنی القول بالتداخل خلاف التحقیق**، ایشان میگه آن ظهوری که شما بوسیله آن ظهور قول به تاخل را قائل میشدید که میگفتید طبیعت به اعتبار صرف الوجود آن جزا هست آن خلاف تحقیق هست ،نه ، طبیعت اینجا نفس طبیعت ،همینجا این مطلب واضح بشود که ما قبال اشاره کردیم که آنچیزی که تداخل را ایجاب میکند نفس صرف الوجود بودن نیست صرف الوجودِ طبیعت بی قید و شرط ، یعنی در واقع ممکن است شما اگر قائل به تداخل بشوید صرف الوجود بودن اغتسال را قید نمیزنید ، اینکه اغتسال واجب است میگید واجب است یک دانه اغتسال مربوط به جنابت محقق کنیم، یک دانه بودن مفروض است و تا آخرش هم همین یک دانه هست و ایشان ادامه بحث را روی صرف الوجود میبرد و نگته ای که در این بحث روش تکیه کرده این است که صرف الوجود بودن این به ظهور امر استفاده نمیشود .